

۲۵۲

# منتظر!

جیتیم بے راہے؟ یا دیگر!!!

مہدی حکیمی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

منتظر،

چشم به راهی فریادگر!!!!

گردآوری و تنظیم:

مهدی حکیمی

زیر نظر:

استاد محمد حکیمی

حکیمی، مهدی.

منتظر، چشم به راهی فریادگر!!!! / گردآوری و تنظیم: مهدی حکیمی -  
مشهد: شرکت به نشر، ۱۳۸۱.

۷۸ ص. (شرکت به نشر، انتشارات آستان قدس رضوی، ۴۵۲)

ISBN 964-333-612-3

شابک: ۹۶۴-۳۳۳-۶۱۲-۳

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. قرآن ۲. احادیث ۳. مهدویت - انتظار - احادیث الف. ائمه معصومین  
علیهم السلام ب. شرکت به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی). ج. عنوان.  
کلام ائمه علیهم السلام

۲۹۷/۹۵۹

BP ۵۱ / ح ۹ م ۲



انتشارات آستان قدس رضوی

۴۵۲

مجموعه آینده شناسی و انتظار:

منتظر، چشم به راهی فریادگر!!!! (۲)

گردآوری و تنظیم: مهدی حکیمی

زیر نظر: استاد محمد حکیمی

ویراسته حمیدرضا نگهبان

چاپ اول / ۱۳۸۱

۲۰۰۰ نسخه / رقعی

چاپ: گلنشر

شابک: ۹۶۴-۳۳۳-۶۱۲-۳

حق چاپ محفوظ است.

به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)

دفتر مرکزی: مشهد ص.ب ۲۹۶۹/۹۱۳۷۵، تلفن ۰۵۱۱۱۳۶-۷، ۰۵۱۱۱۱۷۰، نمابر ۰۵۱۵۵۶

دفتر تهران: ۰۸۹۶۲۳۰۱، ۰۸۹۶۰۶۲۰ - دفتر اصفهان: ۰۶۷۳۶۷۶

## فهرست مطالب

۷ - ۹	پیشگفتار
۱۱ - ۲۳	بخش نخست - مفهوم انتظار
۲۵ - ۳۱	بخش دوم - انتظار یعنی...
۳۳ - ۴۴	بخش سوم - انتظار در مکتب ما
۴۵ - ۴۹	بخش چهارم - مرزبانی و سنگرداری
۵۱ - ۵۸	بخش پنجم - انتظار امام و امت
۵۹ - ۶۴	بخش ششم - رابطه احساس امام و امت
۶۵ - ۷۲	بخش هفتم - یأس و امید
۷۳ - ۷۸	بخش هشتم - انتظار آینه صبر

## پیشگفتار

کجاست آن صبح صادقی که فرا رسیدنش را می دادند نوید  
که در زیر این گنبد نیلگون و سپهر گردون  
جایی باید باشد آخرین اختران شب را منزلگاه  
جایی باید باشد که سترده گردد پردۀ سیاه شب  
جایی باید که سفینهٔ غم لنگر اندازد و پهلو گیرد.  
هنگامی که آن آزاد مردانِ راه رستگاری نمایانند.  
چه کسان بسیاری که به هواخواهی شان گام فرا نهادند  
و دلهای آرزومند و مشتاقی که به تپش افتادند  
چه فریادها که از گلو و جانها برخاست به جانبداری اش<sup>۱</sup>.

فیض احمد فیض

شاعر بزرگ و انقلابی پاکستان

و امروز، «منتظر، چشم به راهی است فریادگر»،

فریادگری در سکوت،

فریادگری در ظلمت،

---

۱. سروده‌های زمان «از یکصد شاعر زمان» گزیده: آلفن بوند - ترجمه: هوشنگ باختری - انتشارات

پارسا، چاپ اول ۱۳۷۸، ص ۳۱۶-۳۱۷.

فریادگری در بیداد،

فریادگری در تباهی،

فریادگری در محرومیت،

فریادگری در تبعیض،

فریادگری در...

و فریادگری در تمامی تباهی‌های عصرها و قرن‌ها تا آن صبح صادقی که فرا رسیدنش را نوید می‌دادند، و آنان که خاموشند نه فریادگر، آنانند که به سکوت، ظلمت، بیداد، تباهی، محرومیت، تبعیض و... خو کرده‌اند و آنانند که از ترس دم برنمی‌آورند و هرگز آمادهٔ خروش و فریاد نمی‌شوند و انسان و انسانیت را فراموش کرده و تنها گذاشته‌اند و تنها «انتظار» لقلقهٔ زبانشان گشته است و به دل و در عمل هیچ منتظر نیستند، و منتظران حقیقی را از حرکت و اقدام بازمی‌دارند و به گوشه‌نشینی و کُنجِ عُزَلتِ فرا می‌خوانند و خود از زیر بار مسؤلیت شانه خالی می‌کنند و وجدان خود را این‌گونه آرام می‌کنند که امام خود خواهد آمد و تمامی نابسامانیها را سامان خواهد بخشید و... و آیا این چنین است که اینان می‌پندارند؟ و آیا این جز یک توجیه کودکانه و نابخردانه نیست؟!

اگر این گونه است، پس معنی انتظار چیست؟ و منتظر

واقعی کیست؟

منتظر واقعی کسی است که به نویدها گوش فرا دهد و خود را برای آنچه آنان گفته‌اند آماده‌سازد، و در دینداری خویش استوار باشد، و به مرزبانی و سنگرداری از آرمانها و حقایق جاودان بپردازد و به عدل عشق بورزد و در راه تحقق آن کوششها کند و از هیچ چیز نهراسد؛ نه از تحقیر و توهین زبونان و نه از زور و

زیر طاغوتان و مستکبران، و از هیچ چیز مأیوس نگردد و به آینده روشن امید داشته باشد که امید جلوه‌گاهی است از انتظار، و شکیباً باشد و صبر پیشه کند و قلب خویش را با قلب امام هماهنگ سازد و امام را پشتیبان و حامی خویش بداند و او را دور و غافل از خود مپندارد که او همواره و در هر لحظه به فکر منتظران واقعی خویش است و غمخوار واقعی آنان.

و امروز، نوجوان و جوان منتظر باید بداند که معنی انتظار چیست و انتظار راستین را از انتظار راستین را از انتظار دروغین باز شناسد و با دید باز به آینده بنگرد و آماده آن انقلاب و حرکت عظیم گردد و واقع‌گرایانه برای بازساختن جهان‌ظلمانی و ویرانه بکوشد و «مادامی که تدوین و اجرای برنامه واقع‌گرایانه‌ای برای بازسازی در عمل امکان‌پذیر نمی‌نماید آدمیان باید مسئولانه چشم انتظار آن لحظه حقیق بمانند و آماده باشند تا از فرصت کایروس (لحظات استثنایی)، آن هنگام که فرا رسد بهره‌جویند»<sup>۱</sup>.

و این کتاب راهی است برای شناختن هر چند اندک از مفهوم بلند انتظار<sup>۲</sup>.

مهدی حکیمی

۱۳۸۰/۵/۳۱

مشهد مقدس

۱. پل تبلیغ: آینده ادیان، گردآورنده: جرالد سی - برانر، ترجمه: احمد رضا جلیلی، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب ۱۳۷۸، ص ۵۰.

۲. آنان که در پی شناختی جامع و افزون بر این اندکند، به کتابهای «خورشید مغرب»، نوشته استاد علامه محمد رضا حکیمی، «عصر زندگی» و «در فجر ساحل»، از استاد محمد حکیمی مراجعه کنند که این اندک برگرفته‌ای از اینهاست با افزودن‌ها و کاستن‌ها.



بخش نخست:

## مفهوم انتظار...

و سرانجام آن روز پی خجسته فرا خواهد رسید که گره  
از ابروان پسر آدم گشوده شود  
و انسان در آن بامداد دل‌انگیز، نغمه روح پرور خود  
را به خاطر زیباییهای زندگی و درختان به گل نشسته  
سر دهد.

لویی آراگون

شاعر مبارز فرانسوی

«سروده‌های زمان / ۲۰۰»

## در کتب پیشینیان

### ۱. اوستا

الف) ای مزدا، کی سپیده دم نیک بختی به در خواهد آمد و مردم جهان به سوی راستی و پاکی روی خواهند آورد؟ کی نجات دهنده (سوشیانت) بزرگ، با دانش و خرد و گفتار پراز حکمت خویش مردم را رهبری خواهد کرد؟ کدامند کسانی که وهومن به یاری آنان آید؟<sup>۱</sup>

ب) زرتشت به اهریمن پاسخ داد:

ای اهریمن تباهاکار! من آفرینش دیو را برخوامم انداخت. تا بدان هنگام که سوشیانت (نجات دهنده جهان) پیروز و دیوافکن از دریای «کیانسیه» از سرزمین نیمروز، از سرزمینهای نیمروزی (شرقی) پا به پهنه زندگی بگذارد.<sup>۲</sup>

### ۲. عهد عتیق (تورات)

الف) اگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش، زیرا که البته خواهد

---

۱. یسنا، مات ۴۶، بند ۳. ۲. وندیداد. فرگرد نوزدهم (۱۹)، بند ۵.

آمد و درنگ نخواهد کرد... بلکه جمیع امتها را به نزد خود جمع می‌کند و تمامی قومها را برای خویشتن فراهم می‌آورد.<sup>۱</sup>

(ب) و در آن زمان میکائیل امر عظیمی که برای پسران قوم تو (خطاب به حضرت دانیال) ایستاده است خواهد برخواست... و بسیاری از آنان که در خاک زمین خوابیده‌اند، بیدار خواهند شد... و آنان که بسیار را به راه عدالت رهبری می‌نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابدالآباد. اما تو ای دانیال! کلام را مخفی دار و کتاب را تا آن زمان مهر کن، بسیاری به سرعت تردد خواهند نمود... خوشا به حال آنان که انتظار کشند.<sup>۲</sup>

(ج) زیرا که شیران منقطع خواهند شد؛ و اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند شد، هان بعد از اندک زمانی شیر نخواهد بود.<sup>۳</sup>

### ۳. عهد جدید (انجیل)

(الف) پسر را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم، بر ابرهای آسمان می‌آید. شیپور بزرگ به صدا درخواهد آمد و او فرشتگان خود را می‌فرستد تا برگزیدگان خدا را از چهار گوشه جهان و از کرانه‌های فلک جمع کنند... هیچ کس غیر از پدر از آن روز و ساعت خبر ندارد، حتی پسر و فرشتگان آسمانی هم از آن بی‌خبرند،... پسر بیدار باشید زیرا نمی‌دانید در چه روزی مولای شما می‌آید، پس شما باید همیشه آماده باشید زیرا پسر انسان در ساعتی که انتظار ندارید خواهد آمد.<sup>۴</sup>

(ب) اما از آن روز و ساعت هیچ کس خبر ندارد، نه فرشتگان

۱. کتاب حبقوق نبی، فصل ۲، بندهای ۳-۵.

۲. کتاب دانیال نبی، فصل ۱۲، بندهای ۱-۵ و ۱۰-۱۳.

۳. کتاب زبور داوود (مزامیر)، مزمور ۳۷، بندهای ۹-۱۲.

۴. انجیل متی، فصل ۲۴، بندهای ۳۰-۴۴.

آسمان و نه پسر، فقط پدر از آن آگاه است. هوشیار و آگاه باشید، شما نمی دانید آن زمان کی می آید. آمدن آن روز مانند شخصی است که به ستر رفته و خانه خود را به خادمان سپرده است تا هر کسی کار خود را انجام دهد، و به دربان سپرده است که گوش به زنگ باشد. پس بیدار باشید چون نمی دانید که صاحب خانه کی می آید، شب یا نصف شب، وقت سحر یا سپیده دم. مبادا او ناگهان بیاید و شما را در خواب ببیند! آنچه را به شما می گویم به همه می گویم: بیدار باشید!

## در قرآن

«هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ.»<sup>۱</sup>

آیا انتظاری جز آن دارند که فرشتگان نزدشان بیایند؟ یا پروردگارت؟ یا نشانه‌ای از نشانه‌های خدا بر آنها ظاهر شود؟ روزی که برخی نشانه‌های خدا آشکار شود، ایمان کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا به هنگام ایمان کار نیکی انجام نداده است، برای او سودی نخواهد داشت. بگو: چشم به راه باشید، ما نیز چشم به راهیم.

امام صادق (علیه السلام) درباره این آیه چنین می‌فرمایند: آیات، امامان هستند و آیه منتظره امام قائم (عج)، پس آن روز ایمان آنان که قبل از قیام آن امام با شمشیر، ایمان نیاورده‌اند سودی نمی‌بخشد، گرچه همه امامان پیش از امام مهدی (عج) را باور داشته باشند.<sup>۲</sup>

---

۱. انعام (۶) آیه ۱۵۸. ۲. تفسیر البرهان ج ۱، دارالکتب العلمیة - قم - ص ۵۶۴.

## در سخن پیامبر (ﷺ)

### پیامبر (ﷺ):

- ۱- بهترین اعمال امت من، انتظار رسیدن فرج است از نزد خدای عزیز و جلیل.<sup>۱</sup>
- ۲-... شما یان اصحاب منید، لیکن برادران من مردمی هستند که در آخر الزمان می آیند. آنان به نبوت من و دین من ایمان می آورند، با این که مرا ندیده اند... هر یک از آنان اعتقاد و دین خویش را با هر سختی نگاه می دارد، چنان که گویی درخت خار مگیلان را در شب تاریک با دست پوست می کند، یا آتش پُر دوام چوب تاغ را در دست نگاه می دارد. آن مؤمنان، مشعلهای فروزانند در تاریکیها، خداوند آنان را از آشوبهای تیره و تار (آخر الزمان) نجات خواهد داد.<sup>۲</sup>
- ۳- خوشا به حال منتظرانی که به حضور «قائم» برسند؛ آنان که پیش از قیام او نیز پیرو اویند، با دوست او عاشقانه دوستند و با دشمن او خصمانه دشمنند و مخالف.<sup>۳</sup>

---

۱. کمال الدین. ۳۵۷/۲. ۲. بحار الانوار. ۱۲۴/۵۲. ۳. همان. ۱۳۰/۵۲.

## در سخن حضرت فاطمه «س»

### حضرت فاطمه «س»:

در «حدیث لوح»، که از سوی خداوند متعال فرود آمده است و بانوی بزرگ حضرت زهرا «س» آن را روایت کرده‌اند، چنین آمده است، «پس از امام یازدهمین (امام حسن عسکری علیه السلام) راه امامت را کامل می‌کنم با فرزندش که رحمت برای همهٔ جهانیان است. او (امام دوازدهم) دارای کمال موسی و شکوه عیسی و شکیبایی ایوب است... در زمان [غیبت] این امام، دوستان من (دینداران راستین) به مشکلات گرفتار شوند... آنان بحق دوستان منند (چون در دینداری پایداری می‌کنند). درود و رحمت خداوند بر آنان باد! آنان (منتظران راستین) در دوران غیبت) بی‌گمان هدایت شدگان و راه‌یافتگانند.<sup>۱</sup>

## در سخن امامان (علیهم‌السلام)

### ۱- امام علی (علیه‌السلام):

چشم به راه رسیدنِ فرج باشید، و از گشایشِ الهی ناامید نگردید، زیرا بهترین کارها نزد خدای بزرگ انتظار فرج است.<sup>۱</sup>

### ۲- امام حسن (علیه‌السلام):

... (امام) قائم که (هنگام ظهورش)، حضرت عیسی از آسمان فرود می‌آید و پشت سر او نماز می‌گزارد... تولدش از مردمان پنهان است و از چشمها غایب می‌شود... او نهمین فرزند برادرم حسین و فرزند بهترین زنان. عمری طولانی دارد، و خداوند او را (در زمین) آشکار می‌سازد در سیمای انسانی چهل ساله، تا همگان بدانند که خداوند بر هر کاری قادر است.<sup>۲</sup>

### ۳- امام حسین (علیه‌السلام):

ما دوازده مهدی و هدایت‌کننده داریم؛ نخستین ایشان امیرمؤمنان

---

۱. بحارالانوار، ۱۲۳/۵۲. ۲. کمال‌الدین، ۳۱۶/۱.



علی بن ابیطالب است و آخرین ایشان نهمین فرزندم می باشد. او امام قائم به حق است. خداوند زمین را پس از نابودی به دست او زنده می کند و تمامی دین حق به وسینه او آشکار می گردد، هر چند مشرکان را خوشایند نباشد. او از چشمها پنهان می شود به گونه ای که مردمانی از دین برمی گردند و مردمانی در دین باوری پایدار می مانند. گروه دین باوران آزار می شوند و به آنان می گویند: کجاست این وعده ظهور (امام غایب) اگر راست می گویند؟ آگاه باشید کسی که در دوران غیبت بر آزار و تکذیب مردمان شکیبایی ورزد چون مجاهدان و شمشیرزنان در رکاب پیامبر (ﷺ) است.<sup>۱</sup>

#### ۴- امام سجاد (ﷺ):

آن کس که بر دوستی ما در دوران غیبت قائم ما، پایدار بماند؛ خداوند به او پاداش هزار شهید از شهیدان بدر و اُحد بدهد.<sup>۲</sup>

#### ۵- امام باقر (ﷺ):

تقوا پیشه سازید، و بار سنگین انتظار را، به کمک ورع (پرهیز از گناهان) و پارسایی به منزل رسانید، و با کوشش بسیار در عبادت و اطاعت خدا. هر یک از شما دینداران، هنگامی غرق شادمانی می شوید که به آستانه ورود به جهان دیگر پانهدید، و دوره دنیا را سپری کنید. آن جا چشمانتان به نعمت الاهی و کرامت خدایی و بهشت جاودانی روشن می گردد. آن جاست که همه اندوهها از میان می رود؛ و آن جاست که می بینید راهی که شما پیمودید حق بوده است، و راهی که مخالفان شما پیموده اند باطل...<sup>۳</sup>

۳. بحار الانوار، ۱۴۰/۵۲.

۲. همان، ۳۲۳/۱.

۱. کمال الدین، ۳۱۷/۱.

### ۶- امام صادق (علیه السلام):

هر کس خوش دارد در شمارِ اصحابِ قائم باشد، باید در عصر انتظار، مظهر اخلاق نیک اسلامی باشد. چنین کسی اگر پیش از قیام قائم درگذرد، پاداش او مانند کسی باشد که قائم را درک کنند و به حضور او برسند. پس (در دینداری) بکوشید، بکوشید و در حال انتظار ظهور حق به سر برید. این (اعتقاد درست و کردار پاک) گوارا باد بر شما، ای گروهی که رحمت خدا شامل حال شماست.<sup>۱</sup>

### ۷- امام کاظم (علیه السلام):

آفرین به شیعیان ما! آنان که به رشته ولایت ما در دوران غیبت قائم ما چنگ زنند و بر دوستی ما و بیزاری از دشمنان ما پایدار بمانند. اینان از ما آیند و ما نیز از آنانیم. ایشان به امامت ما خرسندند و ما نیز به پیرو بودن آنان خشنودیم. رستگار و خوشبخت باشند. به خدا سوگند! آنان در مقامات آخرت با ما هستند.<sup>۲</sup>

### ۸- امام رضا (علیه السلام):

چه زیباست شکیبایی و انتظار فرج، آیا سخن خدا را نشنیده‌ای: «وَأَرْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ»<sup>۳</sup> چشم به راه آمدن او باشید، من نیز با شما و همچون شمایم. و این گفته او را: «فانتظروا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ»<sup>۴</sup> منتظر باشید، من هم با شما منتظرم. پس شکیبایی ورزید که همانا فرج هنگامی می‌رسد که همه ناامید شده باشند.<sup>۵</sup>

۱. بحارالانوار، ۱۴۰/۵۲. ۲. کمال‌الدین، ۳۶۱/۲. ۳. هود (۱۱) آیه ۹۳.

۴. اعراف (۷) آیه ۷۱. ۵. بحارالانوار، ۱۲۹/۵۲.

### ۹- امام جواد (علیه السلام):

عبدالعظیم حسنی می گوید: خدمت امام جواد (علیه السلام) رفتم و می خواستم سؤال کنم از (امام) قائم که آیا او همان مهدی است یا دیگری؟ پیش از سؤال من امام فرمود: «یا ابالقاسم! قائم ما همان مهدی است که باید در دوران غیبت او چشم به انتظار او داشت و در روزگار ظهور از او فرمان برد. او سومین فرزند من است، به خدایی که پیامبر را به نبوت برانگیخت و ما را امامان قرار داد، بی گمان اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند خداوند آن روز را دراز گرداند تا قائم قیام کند و زمین را پر از عدل و داد لبریز سازد، پس از آن که سرشار از ستم و بیداد شده باشد. خداوند بزرگ امر (ظهور و قیام) او را در یک شب به سامان رساند، چنان که امر (قیام) موسی را سامان بخشید، آنگاه که رفت تا برای خانواده اش آتش بیاورد سپس بازگشت در حالی که پیامبر شده بود.» سپس فرمود: «بهترین کارهای پیروان و شیعیان ما انتظار فرج است.<sup>۱</sup>»

### ۱۰- امام هادی (علیه السلام):

علی بن مهزیار می گوید: به امام هادی نامه ای نوشتم و در آن از فرج پرسیدم. امام نوشت: «آنگاه که صاحب (امام) شما از سرزمین ستمکاران پنهان شد، انتظار فرج و گشایش داشته باشید.<sup>۲</sup>»

### ۱۱- امام حسن عسکری (علیه السلام):

گویا می بینم شما شیعه را که درباره جانشین من اختلاف کرده اید؟

بدانید کسی که امامان پس از پیامبر را باور دارد لیکن فرزندم (مهدی) را انکار کند، چنان است که همه پیامبران را باور دارد و پیامبر اسلام را منکر است و منکر پیامبر اسلام، چون کسی است که همه پیامبران را انکار کرده است، زیرا پیروی از آخرین ما چون پیروی از نخستین ماست. آگاه باشید که فرزندم دارای غیبتی است که مردمان دچار شک و تردید می‌گردند مگر آنان را که خداوند بزرگ نگاه دارد.<sup>۱</sup>

## ۱۲- امام مهدی (عج):

پروردگارا! بر محمد و آل محمد درود فرست، و دوستانت را با تحقق وعده‌هایت گرامی دار، و ایشان را به آرزوهایی که به کمک تو داشتند برسان... زیرا که مهلت (و دوران جباران و ستمگران) در نظر ما به آخر رسید، و ما برای خشم تو خشمگینیم و در یاری حق کوشاییم، و به صدور فرمان تو اشتیاق داریم، و تحقق وعده‌هایت را انتظار می‌کشیم، و چشم دوخته‌ایم تا بیمه‌ایی را که به دشمنانت دادی بر آنان فرود آید...<sup>۲</sup>

۱. بحارالانوار، ۱۶۰/۵۱. ۲. همان، ۲۳۳/۵۱.

بخش دوم:

## انتظار یعنی...

تا آن زمان  
بردگان طلا بساط خود را برچیده‌اند  
آن‌گاه زن و مرد را تنگ غروب، غمی بر دل نخواهد بود  
و درازنای روز، برای شادمانیها کم خواهد بود.  
و خواهد آمد آن روز که به روزگاران تلخ گذشته، بیندیشید  
بدان دورانها، پیش از آن‌که نیروهای پیکارگر، بساط تب  
طلا را فرو نشانده باشند،  
و ما که یک زمان به رؤیاها پیوسته بودیم،  
دوباره قد علم خواهیم کرد در ذهن شما.  
آفتاب بالا می‌گیرد، روز چهره می‌نماید  
زمان موعود می‌رسد فرا.

ویلیام موریس

نویسنده، طراح، نقاش، مرد سیاست و عمل انگلیسی

«سروده‌های زمان / ۵۶»

### امام صادق (علیه السلام):

- درباره این آیه: «آن روز که برخی آیات پروردگار تو نمایان شود، ایمان کسی که از پیش ایمان نداشته و کار نیک نکرده است، سودمند نخواهد افتاد<sup>۱</sup>» فرمودند: «منظور از آن روز (که چنین است، و جز ایمان پیشین و کار نیک قبلی چیزی سودمند نیست) هنگام خروج قائم منتظر است<sup>۲</sup>».

روزگار، روزگار انتظار و انسان منتظر است؛ یعنی دوران آمادگی و تهیه مقدمات و فراهم سازی زمینه و پدید آوردن شرایط برای آنچه که انتظار داریم، و چشم به راه آنیم.

مگر نه این است که به هنگام مسافرت از سرزمینی به سرزمین دیگر - که از نظر آداب زندگی، افکار و رفتار، آب و هوا، و دیگر شرایط زیستی و فرهنگی با هم متفاوت هستند - نیاز به آمادگی و تهیه مقدمات سفر و کوچ کردن از این سرزمین به آن سرزمین یک ضرورت است. باید که نخست و پیش از همه، آداب زندگی در آن جا را آموخت و چگونگی های

---

۱. انعام (۶) آیه ۱۵۸. ۲. بحارالانوار. ۱۴۹/۵۲.

آن محیط را شناخت و افکار و رفتار آنان را در خود پدید آورد و خود را با محیط نو و شرایط آن هماهنگ ساخت. همچنین است در همه تحولات و انقلابهای اجتماعی، که سرنوشت مردمان و اجتماعات را دگرگون می‌سازد و نظامهای اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و سیاسی را در هم می‌ریزد و نظامهای دیگری جایگزین آنها می‌سازد. که نخست باید همسانیها و همسویی‌های لازم برای دگرگونیها و انقلابها پدید آید تا تحول جدید و اصول انقلابی زمینه مناسب در روان و جان فرد و جامعه داشته باشد و نوآوریها و اصول جدید در جامعه نفوذ کند و جا بیفتد.

اکنون می‌توان دریافت که جامعه منتظر باید چه ویژگیهایی را در خود پدید آورد و در چه حالتی باید به سر برد، تا بتواند با انقلاب جدید و تحولات آن سازگار باشد و آن ضوابط را بپذیرد و بدان شکلها درآید و طبق قوانین و آیین جدید رفتار کند و عضوی شایسته برای جامعه جدید باشد. و اگر در حقیقت ما منتظر انسانی هستیم که اصول تحریف شده زندگی و تمامی اساسهای موجود را دگرگون خواهد ساخت و اندیشه‌های شیطانی را باطل خواهد کرد و اندیشه‌ها و طرحهای نو، برای ساختن زندگی نوین خواهد آورد و اصول و اساس زندگی را بر پایه‌ای غیر از آنکه ما دیده‌ایم بنا خواهد ساخت و انقلابی اصولی و در همه بخشهای اجتماعی پدید خواهد آورد؛ پس باید برای آن دوران و آن روشها و اصولها آماده باشیم و آن‌گونه گرایشها و گزینشها را در خود پدید آوریم.

اگر این آمادگی را در خود و جامعه ایجاد نکنیم، وقتی به آن روزگار رسیدیم، هیچ‌گونه سازگاری و پذیرش و هماهنگی با آن دوران و چگونگیهای آن نخواهیم داشت. پس در این صورت، هم خود دچار سختی و رنج خواهیم شد و هم رهروان راستین آن

حرکت و قیام بزرگِ الهی و انسانی را دچار سختی و مشکل خواهیم کرد. و از آن دسته خواهیم بود که به معیارهای جدید و انقلابی تن نخواهند داد و نظام جدید را نخواهند پذیرفت و رهبری آن را رنج خواهند داد و آزار خواهند رسانید و این جاست که مضمون روایت امام صادق (علیه السلام) به وقوع می پیوندد:

آزاری را که قائم به هنگام رستاخیز خویش از جاهلان آخرالزمان می بیند، بسی سخت تر است از آن همه آزار که پیامبر از مردم جاهلیت دید.<sup>۱</sup>

زیرا مردمان جاهل دوران جاهلیت، سنگها و چوبها و... را می پرستیدند و کوتاه فکر و کج اندیش بودند و هیچ دلیل و منطقی برای مخالفت خود نداشتند، اما در دوران امام مهدی (عج) برای مخالفتهای خود در برابر قرآن ناطق، او که برپاکننده واقعی احکام قرآن است به قرآن استدلال می کنند و برای آن مفسر به حق قرآن، قرآن را به اشتباه تفسیر خواهند کرد و او را به سکوت و صبر دعوت می کنند و از اقدام و حرکت و قیام باز می دارند. آنان دین را امری اخروی می دانند و این چنین تفسیر می کنند و امام، دین را در عین حال که برای کمالات جاودانی است، امری دنیوی نیز می داند و می کوشد تا آن را در عینیت جامعه نیز عملی سازد و برای به اجرا درآوردن آن شمشیر می کشد و فریاد برمی آورد، و افکار و اندیشه های نادرست و غیراسلامی را کنار می زند.

پس ناگزیر اگر می خواهیم آمادگی ظهور و حضور امام را داشته



باشیم، باید چون فریادگری در سکوت باشیم که در عین حال که در دوران پیش از ظهور زندگی می‌کنند، با فرهنگ و اندیشه‌های آن انقلاب آشنایی دارند و برای پذیرش روشهای آن و عمل طبق برنامه‌های آن خود را ساخته‌اند. انتظار راستین چنین است، بنابراین انتظار در زندگی کنونی ما تأثیرهای ژرف و اصولی دارد.

اگر انتظار، انتظار باشد، مشکلات زندگی کنونی را آسان می‌سازد و آینده را بهتر تأمین می‌کند. اگر این اندیشه باشد که مشکلات کنونی بشر همواره خواهد بود و زوال ناپذیر است، تحمل این مشکلات و سختیها بسیار دشوار خواهد بود. اما انتظار می‌گوید که دیر یا زود این رنجها و سختیها به پایان خواهد رسید و تاریکیها جای خود را به روشنائیها خواهد داد و اجتماع بر پایه ارزشهای والای انسانی برقرار خواهد گشت. پس امروز به امید این فردای انسانی و نورانی می‌توان زنده بود و به زندگی ادامه داد و به تلاش و کوشش پرداخت.

اگر انتظار، انتظاری راستین باشد، برای منتظر دو پدیده را به ارمغان خواهد آورد:

۱- عشق به عدالت.

۲- عشق به اجراکننده عدالت.

اگر عشق به عدالت و عشق به مجری عدالت به عنوان پیش شرط لازم مشارکت در آن انقلاب بزرگ، در مردمان و اجتماعات پدید آید، پیش از ظهور و در دوران انتظار، مردمان عدالت‌گرا و دادپیشه بار می‌آیند و خویش را به آنچه دوست دارند و در سر پرورانده‌اند نزدیکتر خواهد ساخت و اندیشه و عمل خود را در آن جهت‌ها هدایت خواهند کرد و برای برقراری این عدالت در جامعه خواهند کوشید تا امکان حضور در جامعه صالحان و نیکان وجود داشته باشد. و از

آنجا که قرآن دوران حکومت امام مهدی را دوران «عباد صالح» معرفی کرده است، باید در دوران انتظار، صالحان و معیارهای صلاح و شایستگی به وجود آید.

پس باید پیش از انتظار فرج، شایستگی فرج را به وجود آورد؛  
آن‌گاه منتظر انقلاب بزرگ امام مهدی (عج) شد. بنابراین، مردمان  
ستم‌پیشه و قانون‌گریز و منافع‌طلب و خودخواه، چگونه می‌توانند  
دادگر و عدالت‌دوست و قانون‌گرا و انسان‌دوست باشند! چنین  
چیزی ممکن نیست.

بخش سوم:

## انتظار در مکتب ما

ره دین بیاب از خرد چون سزاست  
که گیتی بدین ایستادست راست  
از این پس نباشد پیمبر دگر  
به آخر زمان (مهدی) آید به در  
بگویند خط و نامه کردگار  
کند دین پیغمبری آشکار

اسدی طوسی

«به نقل از خورشید مغرب / ۱۳۰»

## امام صادق (علیه السلام):

برای صاحب‌الامر غیبتی طولانی است. در این دوران هر کسی باید تقوا پیشه سازد و چنگ در دین خود زند.<sup>۱</sup>

در بحث انتظار معیارهای بزرگ و اصول گوناگون مکتب (دین) وجود دارد، هم اصول و معیارهای فردی و هم اصول و معیارهای اجتماعی.

## الف) معیارهای فردی:

از قلمروهای مهم و زیربنایی انتظار، بُعد توحیدی آن است. انسان منتظر همیشه متوجه خداوند و به وجود آورنده تمام هستیهاست، زیرا همواره چشم به راه فرجی است که به اراده خداوند تحقق خواهد یافت. و قهرمان و کارگزار آن انسان الهی و بنده فرمانبردار دستور حق است و خلیفه خدا و ولی امر او در زمین و اجتماعات انسانی می‌باشد. انسان منتظر چشم به راه کسی است که، بنده و خلیفه خداست و به امر خدا برای به اجرا درآوردن آیین خدایی و نجات جامعه بشری قیام خواهد

کرد. پس فرج و رهایی به دست خداست و نجات بخش و فرج رسان مأمور ویژه‌ی الهی است. بنابراین، منتظر در همه حال متوجه خداوند متعال است و این معیار توحیدی انتظار است، که در درون و اندیشه انسان منتظر به ژرفی نفوذ کرده است.

معیار دیگر انتظار، معیار نبوتی آن، و توجه به پیامبران و مکتب آنان می‌باشد. انسان منتظر همیشه چشم به قیام و ظهور پیشوایی دوخته است که دارای صفات پیامبران است و در ژرف‌نگری، استواری، نستوهی، خستگی‌ناپذیری، هدفگرایی، دین‌باوری، انسان‌دوستی، ایثار و فداکاری چون آنان است و هر کس دوست دارد آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و داوود و... و پیامبر اکرم (ﷺ) را ببیند، می‌تواند آنان را در مهدی (عج) ببیند و راه و روش و اندیشه و عمل این رهبران خدایی را در اندیشه و عمل امام موعود بی‌کم و کاست بنگرد، زیرا که امام مهدی (عج) تجسم راستین همه انسانهای برتر و الهی و تجلی دوباره رهبران بحق خدایی است. از این رو، او یادگار همه پیامبران است و این چنین است که خود فریاد خواهد کرد:

ای توده‌های خلاق، ای مردم عالم!

هر کس می‌خواهد آدم و شیث را ببیند، منم آدم و منم

شیث...

هر کس می‌خواهد نوح و فرزندش سام را ببیند، منم

نوح و منم سام...

هر کس می‌خواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند، منم

ابراهیم و منم اسماعیل...

هر کس می‌خواهد موسی و یوشع را ببیند، منم موسی

و منم یوشع...

هر کس می خواهد عیسی و شمعون را ببیند، منم  
عیسی و منم شمعون...  
هر کس می خواهد محمد و علی را ببیند، منم محمد و  
منم علی...  
هر کس می خواهد حسن و حسین را ببیند، منم حسن و  
منم حسین...  
هر کس می خواهد امامان دیگر را ببیند، منم امامان  
دیگر...  
فریاد مرا پاسخ گوید، من شما را از همه چیز آگاه  
می کنم، آنچه می دانید و آنچه نمی دانید... هر کس کتابهای  
آسمانی را می شناسد گوش فرا دهد...<sup>۱</sup>

و او می آید تا آرمانها و هدفهای پیامبران را به پیدایی آورد و موانع  
راه خدایی شدن انسان و جامعه انسانی را از میان بردارد. انسان منتظر،  
چشم به راه چنین انسانی است و چنین تناسبها و همسانیها و همسوییها  
را باید در خود پدید آورد و انسانی از نوع انسانهای جامعه محمدی و  
علوی باشد تا بتواند در جامعه مهدوی گام گذارد.

مهدی (عج) از خاندان پیامبر (ﷺ) و فرزند علی (رضی الله عنه) و  
فاطمه (س) و دوازدهمین جانشین پس از پیامبر است و هنگامی که ظاهر  
گردد پرچم پیامبر را در دست خواهد گرفت و به روش پیامبر زندگی  
خواهد کرد. و چون او قیام کند، تعالیم پیامبر و دین اسلام را به پهنه گیتی  
حاکم خواهد ساخت. و مدیریت زندگی کره زمین را به دست خواهد

گرفت و دیگر بار دین را به متن جامعه باز خواهد گرداند و واقعیت زندگی را الهی و اسلامی خواهد ساخت. و اینها همه توجه به رسالت رسولان و به ویژه آخرین پیامبر خدایی است و یادکرد و رویکردی جدی به راهها و روشهای پیامبران و به ویژه پیامبر اسلام.

محور مهم دیگر انتظار، توجه به کتاب خداوند، قرآن، می باشد. زیرا که مهدی (عج) دانا به اسرار و رموز قرآن و زنده کننده همه احکام و برنامه های آن است و انسانی که منتظر ظهور او می باشد، منتظر روزی است که احکام قرآن جهانگیر شود و بر سراسر جهان حاکمیت یابد و کتاب آسمانی برنامه زندگی انسان گردد. و به همه راهها و برنامه هایی که غیر قرآنی باشد و یا ناسازگار با تعالیم وحی، پشت می کند و آنها را پوک و بیهوده می انگارد. و این توجه به قرآن کریم و هدایت آن است. ره آورد این بینش، گرایش اصولی به قرآن و حاکمیت بخشیدن به تعالیم آن در همه پهنه های حیات فردی و اجتماعی است.

معیار حیاتی دیگر انتظار، اعتقاد به امامت و رهبری است. مهدی (عج) وصی و آخرین جانشین پیامبر است. تمامی امامان او را یاد کرده اند.<sup>۱</sup> او فرزند و یادگار آنان و ادامه دهنده راهشان است و انتظار ظهور او بزرگترین تأکید بر اصل امامت و رهبری است.

محور دیگر انتظار، بُعد عدل و دادگری است. انسانی که چشم به راه مهدی (عج) است، منتظر ظهور عدل، عدلی فراگیر و جهانی است و مهدی مظهر اسماء الهی می باشد. که یکی از اسماء و صفات الهی «عدل و عادل» است. و اوست که جهان سرشار از بیداد را سرشار از داد می سازد و عدل الهی را در سراسر جهان سایه گستر می کند. پس انتظار

۱. به فصل نخست (مفهوم انتظار) مراجعه شود.

یعنی منتظر انسانی بودن که با قیام او عدل و داد تمامی جهان را فرا خواهد گرفت، پس از آنکه از ظلم و بیداد پر شده باشد. نتیجه اصولی و بنیادی این اندیشه، رویکرد جدی به اصول عدالت اجتماعی است برای زمینه‌سازی عدالت مطلق مهدوی.

بعد دیگر انتظار، اعتقاد به معاد و بازگشت انسان به نزد خداوند و پایان این زندگی و شروع زندگی اصلی می‌باشد و این مسأله در سه جهت نمایان است:

جهت اول: این که مهدی (عج) به هنگام ظهور ستمگران و ظالمان را به سزای اعمال زشتشان می‌رساند و به مؤمنان و صالحان رحمت الاهی را می‌چشانند و این نمونه‌ای از چگونگی معاد و قیامت است.

جهت دوم: این که به هنگام ظهور مهدی (عج) گروهی از نیکان و ناپاکان به جهان بازمی‌گردند و این خود قیامت کوچکی است که برپا شده و نشانه‌ای برای آن رستاخیز و قیامت بزرگ است.

جهت سوم: این که ظهور مهدی (عج) از شرایط و نشانه‌های حتمی قیام قیامت است. او قبل از رستاخیز می‌آید و تا او نیاید و حکومت عدل را برپا ندارد قیامت برپا نمی‌گردد.

و این است رابطه عمیق میان انتظار و ابعاد فردی (عقیدتی) مکتب.

### ب) معیارهای اجتماعی:

از ویژگیهای انسان منتظر، گرایش اصولی به دینداری و دین‌باوری است. انسان در دوران غیبت، در اندیشه نگهداری دین خویش است و با کوششی ژرف در اعمال و رفتار خود پاسدار دینداری و صحت اعمال خود می‌باشد و حل همه مشکلات را از دین می‌جوید و راه و روش زیست فردی و خانوادگی و گروهی را از مرام و مکتب خود می‌طلبید. از



این رو، همواره و با توجه و توسل به امام و مقتدای خود، خود را از انحراف و کجروی و کج اندیشی نگاه می دارد.

یکی از ویژگیهای برجسته در تشیع و انتظار شیعه، مقید بودن به مکتب و خطّ مکتب است. در مکتبی که با خون سرخ شهیدان استوار گشته است، هیچ خراشی و رگه غیراصیلی پذیرفته نیست و دوست داشتن امامان (تولی) و دوری جستن از دشمنان آنان (تبری)، چیزی جز متابعت عاشقانه از حق و رهبر حق و مخالفت خصمانه با ناحق و رهبر ناحق نیست.

این تقید مکتبی و استواری اعتقادی و سازش ناپذیری خطی، از ویژگیهای رهروان راه سرخ تشیع علوی در تمامی دورانها و در طول اعصار و قرون بوده است. زیرا دوستی علی و خاندان ایشان، دوستی انسان و انسانیت است و دشمنی با علی و آل علی، دشمنی با انسان و انسانیت است. و انسان منتظر در خطّ رهبران راستین بشریت است و دشمن هر راه و خطّ دیگر با هر نام و ادعا.

انسان منتظر به حاکمیت اصل دین و اجرای یکایک تعالیم آن نیز چشم دوخته است و با تمامی وجود و از ژرفای جان دوست دارد هر چه اسلامی است تحقق یابد و هر چه غیر اسلامی است زوال پذیرد و نابود گردد. از این رو، به دو مسؤولیت بزرگ دینی روی می آورد و به امر به معروف و نهی از منکر دست می زند. با این دو عمل است که احکام الاهی تحقق می یابد و جامعه دینی از انحراف رها می گردد، پس انتظار به معنی چشم به راه اجرای احکام الاهی بودن و اجرای نیکیها «معروفها» است و همچنین زدایش

۱. رجوع شود به فصل نخست (مفهوم انتظار)، سخن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله).

پلیدیها و «منکرها» و نامردمیها؛ بنابراین انسان منتظر نمی‌تواند در این باره بی‌تفاوت باشد و به ولی خود و آن کس که منتظر ظهورش می‌باشد اقتدا نکند. زیرا که او در روزگار ظهور، بزرگترین امرکننده به همه معروفها و نهی‌کننده از همه منکرهاست. پس چگونه ممکن است که جامعه منتظر، خشنودی مهدی (عج) را نخواهد، و بر راه پیشوای خود نرود، و با او هم آوا و هماهنگ نگردد. و در راه و کارش یاریگر راستین او نباشد و تنها به زبان بسنده کند و بگوید: «نُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ: یاری من آمده و در خدمت شماست». و حال آن‌که در عمل نه به معروف توجهی داشته باشد و نه از منکر روی گرداند. و نه در جامعه در اندیشه جدی احیای معروف و میرش منکرها و نانسانی‌ها باشد.

از محورها و ویژگیهای بنیادی دیگر انتظار و جامعه منتظر بعد اخلاقی آن است. جامعه منتظر، جامعه‌ای اسلامی است و بزرگترین وجه تمایز جامعه اسلامی، از دیگر جامعه‌ها، اخلاق نورانی اسلام و تربیت شیعی است. جامعه منتظر باید جامعه‌ای سرشار از اخلاق انسانی اسلام باشد و در این صورت است که همواره مایه خرسندی و افتخار و آبرو برای امامان و رهبران خویش است و آن‌گاه که این همانندی تربیتی و انسانی و اخلاق علوی در کار نباشد، انتظار و امید ظهور در جامعه مهدوی چگونه ممکن است به پیدایی آید.

قدرت جسمانی و آمادگی نظامی نیز از محورهای قابل توجه در بحث انتظار است. انسانی که منتظر قیامی خونین و انقلابی بزرگ می‌باشد، آیا ممکن است که خود هیچ‌گونه آمادگی برای حضور در این انقلاب و قیام نداشته باشد؟. مسلمان باید همیشه آمادگی نظامی داشته باشد تا در آن هنگام که نخستین درخشش حق آغاز شد به صف یاران

حقّ پیوندد و در رکاب مهدی (عج) قرار گیرد و در آن نبرد و پیکار بزرگِ حق علیه باطل شرکت کند و برای پیروزی عدل و برپا شدن داد حماسه آفریند و حضوری جدّی و مؤثر داشته باشد.

این که در تعالیم ما رسیده است که با آئین جنگ و جهاد آشنا شوید و مسلمان دین باور باید به سلاح مجهّز باشد و در دوران پیش از ظهور ابزار جنگ و دفاع را در دسترس قرا دهد، برای رشد و خروشان سازی همین روحیه رزم آوری و مرزبانی و پاسداری است.

### امام صادق (علیه السلام):

- باید هر یک از شما برای خروج قائم اسلحه تهیه کند، هر چند یک نیزه. چون وقتی خداوند ببیند کسی به نیت یاری مهدی اسلحه تهیه کرده است، امید است عمر او را دراز کند تا ظهور را درک نماید و از یاوران مهدی باشد [یا برای این آمادگی، به ثواب درک ظهور برسد].<sup>۱</sup>

و این تعلیم والا خشونت طلبی و خونریزی نیست، بلکه برای دفاع از حقوق انسانهای مظلوم است که زیر فشار دژخیمان خون آشام نابود شده اند و جز پوست و استخوانی از آنان باقی نمانده است. همان مدعیان حقوق بشری است که انسانها را در راه منافع خویش به آسانی فدا می کنند و در سراسر گیتی می نگریم که مستکبران عالم با دنیای مستضعفان چه می کنند و خون آشامان هر لحظه خونی تازه می ریزند.<sup>۲</sup> و هر کس از حق خود یا محرومی دفاع کند، او را به

۱. بحار الانوار، ۳۶۶/۵۲. ۲. جریان مبارزات ملت فلسطین بهترین شاهد گویای آن است.

خشونت متهم می‌کنند. آری، مهدی باوران، خون آشامان چپاولگر و غاصب را از دم شمشیر خویش می‌گذرانند و انسانهای شریف و مظلوم را یاری می‌رسانند و رهایی می‌بخشند.<sup>۱</sup> منتظران باید چنین بیندیشند و با چنین گفتمانی زندگی کنند.

زیبنده تو نیست

به زاری بنشستن

و زانوان ماتم در بغل بگرفتن،

در کار نیک درنگ روا داشتن

چه تو را ندایی است

برآمده از قلب خون چکان یاران:

«شما را بر دوش رسالتی است گران.»<sup>۲</sup>

و این رسالت گران، رسالت فردسازی و جامعه‌سازی قرآنی و اسلامی است که در پیش روی منتظران راستین انقلاب مهدوی (عج) قرار دارد و از آرمانهای اصولی آنان می‌باشد.

موضوع دیگری که انسان منتظر باید به آن اهمیت فراوان بدهد و در گسترش آن بکوشد، عدل و احسان است. سخن از عدالت و دادگری در اسلام و قرآن اصلی اساسی و همه‌گیر است. این اصل از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می‌باشد تا آنجا که در بسیاری از احکام اسلامی نمودی آشکار دارد و شرطی برای آن حکم یا عمل اسلامی شناخته می‌شود، به گونه‌ای که در برخی تعالیم مجموعه دین و جوهر و جانمایه اصلی دین عدل و احسان شمرده شده است.

۱. برای روشن‌تر شدن این مطلب، به بخش آینده (مرزبانی و سنگربانی) مراجعه شود.

۲. ارنست تولر (شاعر و درام‌نویس آلمانی)، سروده‌های زمان، ص ۱۴۹.

امام علی (علیه السلام):

الْعَدْلُ أَسَاسٌ بِهٖ قِوَامُ الْعَالَمِ<sup>۱</sup>

عدل پایه (و زیر بنا) است که پایداری جهان به آن بستگی دارد.

و این خود نوعی مبارزه با ظلم و ترک بیداد است. مردمی که در انتظار دولت حق و ظهور حکومت عدل به سر می‌برند و چشم به راه رهبری هستند که عدل مطلق را عملی می‌سازد و در ادعیه «عدل» خوانده شده است، باید خود نمونه‌ای از این عدل و عدل‌طلبی باشند و درون خویش را سرشار از عدل و احسان سازند و نمونه‌ی آن عدل و احسانی باشند که از آن دم می‌زنند و منتظر فراگیری و جهانی شدن آن می‌باشند. آیا ممکن است جامعه‌ای منتظر ظهور برپادارنده عدل و احسان باشد و خود را مشتاق حکومت عدل جهانی بداند، لیکن خود در روابط و حقوق و قوانین، عدالت را عملی نسازد و رعایت نکند؟ یا آن را زیر پا نهد و به بیداد روی کند؟ این چگونه جامعه‌ای است؟ و راستگویی این مردم چگونه مشخص خواهد گشت؟ و انتظار آنان چگونه صادقانه و راستین خواهد بود؟

بخش چهارم:

## مرزبانی و سنگرداری

... و تا ساعت ظهور ولی جدید نزدیک شود، مهم  
برای ما این است که هسته مقاومت را زنده نگه داریم،  
هسته نجات بشری را...

نویسنده بزرگ جلال آل احمد

«نون و القلم / ۱۴۰»

### امام باقر (علیه السلام):

- در تفسیر این آیه: «ای مؤمنان شکیباً باشید... و برای مرزبانی حاضر یراق...»<sup>۱</sup> می فرمایند: این آیه درباره ما نازل شده است و هنوز «رباط» و مرزبانی که به ما دستور داده شده تحقق نیافته است. و این مرزبانی در آینده از فرزندان ما، که «مرابط» و مرزبانند تحقق خواهد یافت.<sup>۲</sup>

انتظار نخست یک آرمان و عقیده است و سپس در عمل آشکار می گردد، و انسان منتظر به پاسداری و مرزبانی از حوزه جغرافیایی و فرهنگی و عقیدتی (ایدئولوژی) خود و هم فکران و هم کیشان خود می پردازد. و همیشه مراقب حرکت‌های مختلف دشمن می باشد و منطقه و اردوگاه دشمن را زیر نظر می گیرد تا جلو آنان را در مرزهای جغرافیایی و فکری و فرهنگی بگیرد و در مقابل تهاجم دشمنان به دفاع از خود و هموعان و هم مسلکان خود پردازد و این گونه است که انسان منتظر برای تحقق

۱. آل عمران (۳) آیه ۲۰۰. ۲. مکیال المکارم. ۴۲۱/۲.

آرمانها و هدفهای خویش فداکاری می‌کند و از هیچ کوششی سرباز نمی‌زند. این است که جامعه منتظر همواره به آمادگی دفاعی و نظامی فرا خوانده شده است و تهیه ابزار و وسایل جنگی با هر کیفیتی و از هر مقوله‌ای برای ایجاد قدرت، تکلیف گردیده است. و این فراخوان تنها برای دوران خاص (زمانی که تهاجمی صورت گرفته) نمی‌باشد. بلکه باید در تمام زمانها این آمادگی وجود داشته باشد و جامعه منتظر در هر دوره و زمانی آماده و نیرومند باشد.

این آمادگی و مرزبانی و سنگرداری دوگونه است، آمادگی و مرزبانی و سنگرداری در حوزه جغرافیایی و برای حفظ مرزهای جغرافیایی مسلمانان که از مسائل بسیار مهم و همیشه واجب است و باید این مرزبانی و دفاع از سرزمین اسلامی انجام پذیرد چه در دورانی که تهاجمی صورت گرفته است و چه در دورانی که هیچ تهاجمی نیست، که در این جا نیز باید مسلمانان آماده باشند و همواره مرزبانان و سنگرداران هوشیاری داشته باشند تا اگر احتمال تهاجم و یا هر فکر پلید دیگری برای تهدید مرزهای جغرافیایی مسلمانان در ذهن دشمنان شکل می‌گیرد، آمادگی کامل را برای دفاع از سرزمین اسلامی پیدا کند و این مرزبانی و پاسداری در دوران حضور امام و غیبت آن هیچ تفاوتی نمی‌کند. از این روست که در مفهوم انتظار، مرزبانی و سنگرداری و نگهداری از سرزمینهای اسلامی نهفته است.

جهت دیگر مرزبانی و سنگرداری، رابطه و پیوند با امام و در خدمت امام زیستن و مرزبان و پاسدار دستورها و خواسته‌های امام بودن است؛ یعنی در تمام زمانها مرزبان و پاسدار و سنگردار ارزشهای والای مکتب بودن. شیعه باید در تمام زمانها و مکانها پیرو امامان خویش باشد و همواره با هوشیاری از عقیده و دین خود و هم مسلکان و هم‌کیشان



خود دفاع کند و از این امر مهم لحظه‌ای غفلت نرزد.

### امام باقر (علیه السلام):

- ابو عبدالله جعفی می‌گوید: امام باقر (علیه السلام) از من پرسید: مدت مرزبانی نزد شما چقدر است؟ گفتم چهل روز. امام گفت: لیکن مدت مرزبانی ما تا همیشه است...<sup>۱</sup>.

بنابراین، شیعه در همه دوران عمر خویش مرزبان و مرزدار و سنگربان می‌باشد و از مرزهای جغرافیایی و مرزهای عقیدتی خود و جامعه اسلامی دفاع می‌کند و در این ارزش والای انسانی چون امامان خویش عمل خواهد کرد. در دوران غیبت نیز شیعه به امام منتظر اقتدا می‌کند و مرزبان حماسه‌های ماندگار و جاوید تشیع می‌گردد و اصول و مرام و مکتب را پاس می‌دارد تا به دست صاحبش برساند.

بخش پنجم:

## انتظار امام و امت

همه درانتظار  
نه نشانه‌ای از قدوم بهار  
ساعت‌های سنگین، زمان به میان آمدن معیارها  
و محکهاست.  
خجسته باد لحظاتی که یار غایب از در درآید  
مبارک باد زمانی که دل‌های بیقرار قرار گیرد!

فیض احمد فیض  
شاعر بزرگ و انقلابی پاکستانی  
«سروده‌های زمان / ۳۱۷»

## امام مهدی (عج):

خداوندا! وعده‌هایی را که به من دادی تحقق بخش... و  
فرج مرا زود برسان و به من قدرت و نصرت ببخشای، و فتح  
بزرگ را نصیبم گردان...<sup>۱</sup>

یکی از مسائل مهم در مورد انتظار رابطه میان انتظار امام و امت است. در مسأله انتظار، امت همیشه در حال انتظار است و «منتظر» می‌باشد و امام که «منتظر»<sup>۲</sup> مردم است خود نیز «منتظر» و چشم به راه دستور قیام می‌باشد تا پیام الاهی در رسد و رستاخیز بزرگ خویش را آغاز کند و جهان گرفتار و پراز ظلم و ستم را رهایی بخشد و عدل و داد را جهانی سازد و رسالت الاهی خویش را که برای آن این همه صبر کرده است به انجام رساند. این جاست که می‌نگریم انتظار امت و امام پیوند می‌یابد و انتظار بزرگ برای آینده‌ای روشن را پدید می‌آورد.

انتظار، با روانها و اندیشه‌هایی که در حال انتظارند و با شور و سوز

---

۱. الصحیفة المهدیة، ص ۱۱۵.

۲. «منتظر اسم فاعل است به معنی کسی که در انتظار چیزی یا امری باشد و «منتظر» اسم مفعول است به معنی کسی یا امری که مورد انتظار واقع شود.

منتظران، ارتباط دارد و عمق و گستردگی آن در همین رابطه مشخص می‌گردد. هر کس با پایگاه فکری و آرمانی و اهداف و امیدهایی که دارد، در انتظاری متناسب با آن اهداف و افکار به سر می‌برد و هر چه هدف و آرمان والاتر و گرامی‌تر باشد، انتظار تحقق و فرارسیدن آن روزگار، شورانگیزتر است. بنابر همین اصل، انسانهای بزرگ و با احساسی که در پی آرمانهای انسانی می‌باشند و به دنبال ساختن جامعه‌ای الهی و انسانی هستند و همیشه در فکر انسان محروم و محرومیّت‌ها و سختیها و گرفتاریهای او می‌باشند، انتظاری به فراخور این افکار و اندیشه‌ها دارند؛ انتظاری بزرگ و با احساس و نویدبخش و در عین حال انتظاری تلخ و جانگداز، تا هر چه زودتر دوران آن فرارسد و این آرمان بزرگ تحقق یابد. نمونه واقعی این انسانهای بزرگ انبیاء و مصلحان بزرگ جامعه‌های انسانی می‌باشند؛ آنان که به سعادت انسانها می‌اندیشند و همیشه در انتظار تحقق چنین جامعه‌ای با چنین اهدافی بوده‌اند و چشم به راه تحقق آرمان والای حقوق انسان و ارزش او داشته‌اند و در این راه تلاشها و کوششهای فراوان کرده‌اند و این کوششها و تلاشهایشان هماهنگ با عظمت آرمانشان بوده است. از این رو، در تمام دوران حیات با عظمتشان و در هر مکان و با هر شرایطی با این امر مهم زیسته‌اند و در انتظار تحقق این امور بوده‌اند تا آنجا که در راه رسیدن به جامعه‌ای الهی و انسانی از جان خویش نیز گذشته‌اند.

پیروان آنان نیز در این انتظار با رهبرانیشان هم‌آوا بوده‌اند و چشم به آینده داشته‌اند و پایان دوران سیاه درد و رنج و فقر و کمبود و نادانی را می‌خواستند.

در دوران ما نیز انتظار امت با انتظار امام پیوند می‌یابد و مفهومی همانند دارد. انتظار امام که برای سامان بخشیدن به

همه نابسامانیها در طول قرن‌ها و عصرهاست و چشم به راه پایان خوش تاریخ؛ زیرا غیبت طولانی او برای برپایی حکومت آرمانی جامعه بشری است و برپاکننده عدل و داد در سراسر گیتی و نگران ظلمها و بیدادها که بر فرد فرد انسانها می‌رود. او که در دوران طولانی زندگی خویش، و از نخستین لحظات غیبت خویش تاکنون (و تا آینده‌ای که جز خدا مرز پایانی آن را کسی نمی‌داند)، با حساسترین قلب، غمهای بزرگ بشریت را احساس کرده است و از اندوهها بزرگ و فراوانی که جامعه بشری را فرا گرفته، اندوهگین گشته، و از ظلمها و ستمهایی که بر انسانهای مظلوم روا داشته می‌شده، رنج برده است و ماتم بی خانمانیها را داشته و با قلب مهربان خویش طعم تلخ تمامی ظلمها، تبعیضها و تحمیلهای و... را بر بشریت چشیده است، در چه انتظاری به سر می‌برد؟

امام مهدی (عج) می‌داند که با قیام خود، چه حوادثی پدید می‌آید و چه دگرگونی و تحوّل در زندگی رخ می‌دهد و انسانها به چه آسایشی دست می‌یابند و رنجها و دردها، ظلمها و ستمها، تحمیلهای و تبعیضها، محرومیتها و گرسنگیها، و گمراهیها و نابسامانیها پایان می‌پذیرد. پس هر لحظه در انتظار به وقوع پیوستن این ره‌آورد‌های مهم و رهایی بخش است. انسان منتظر نیز در دوران غیبت احساسی چون امام خویش دارد و چون او می‌اندیشد و همانند پیشوای خود در انتظاری احساسمند به سر می‌برد. با چنین انتظاری، با امام خویش همسو و همجهت و همدل می‌گردد و با احساس و درک سوزها و شورهای امام به او نزدیک می‌شود. اگر از این سوزها و رنجها غفلت کند و چشم به راه سرزدن آخرین افق نباشد، از آرمانهای امام خود بیگانه است و از راه و کار و هدفهای او فاصله دارد. پس انتظار و امید به آینده‌ای روشن و به

سود بشریت مظلوم و حیات دوباره دین خدا، نقطه یگانگی انتظار امام و امت است. حضور در متن جریانها و حوادث پیش از ظهور است که مایه یادآوری هدفها و آرمانهای امام موعود (عج) و زمینه آگاهی و هوشیاری است. و کناره گیری از مسائل جامعه و یأس و بدبینی نسبت به فرجام شایسته انسان، روی گردانی از حالت سازنده انتظار و امید است و این خاستگاه و زمینه اصلی غفلت و بی خبری و بی تفاوتی نسبت به حوادث پیش از ظهور می باشد. همان حوادثی که امام غایب نگران آنهاست و از آنها سخت غمگین می گردد و آرزوی آن را دارد که هر چه زودتر قیام کند و به این تباهیها و فسادها پایان بخشد. پس منتظران راستین چگونه می توانند نسبت به این حوادث و جریانها که قلب امام را می آزاد و او را سخت می رنجاند بی تفاوت باشند و خود را منتظر واقعی آن امام بزرگ نیز بدانند؟ با توجه به این اصل است که جامعه منتظر باید همانند امام خود، دارای انتظاری با احساس و بزرگ باشد، که تمام دردها و رنجها و محرومیتها و نابسامانیها و... را در درون خویش احساس کند و برای برطرف کردن آنها اقدام نماید و هیچ مانعی هر چند بزرگ و یأس آفرین او را مأیوس و ناامید نسازد و از اقدام و حرکت باز ندارد و چون امام خود استوار و تزلزل ناپذیر بایستد و با هر ناهنجاری و نامردمی بستیزد و ستمگران سیاسی و اقتصادی و نظامی را سرجایشان بنشانند و زمینه ساز گسترش عدل جهانی و نهایی گردد.

منتظران راستین امام باید از این صلابت و استواری امام، استواری و نستوهی بیاموزند و همانند رهبر خویش از قدرتهای بزرگ نظامی و سیاسی و اقتصادی نهراسند و با امید و توجه به قدرت الاهی در مقابل طاغوتیان و ستمکاران بایستند، تا با آن کانون بیکران

معنویت و قدرت الاهی پیوند روحی و قلبی بیابند و از او نیرو بگیرند و در برابر هیچ حادثه ناهنجاری دچار یأس و شکست نگردند و خصلت والای انتظار و امید را از دست ندهند، زیرا آن امام استوار و نستوه چنین می فرماید:

- به یقین خدا با ماست، پس نیازی به دیگری نیست، و حق با ماست، پس از کناره گیری کسانی چند بیمی نیست.<sup>۱</sup>

بخش هشتم:

## رابطه احساس امام و امت

ای پادشه خوبان، داد از غم تنهایی  
دل بی توبه جان آمد، وقت است که بازایی  
دایم گل این بستان شاداب نمی ماند  
دریاب ضعیفان را در وقت توانایی  
دیشب گله زلفش با باد همی کردم  
گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودائی...

خواجه حافظ شیرازی



### امام مهدی (عج):

از تردید گروهی از شما در دین باوری و شک و سرگردانی در [مسأله] ولایت و امامت آگاه شدم. این موضوع ما را غمگین ساخت. به خاطر شما نه به خاطر خود ما، و متأثر شدیم برای شما نه برای خود، چون خدا با ماست و ما نیازی به دیگری نداریم. و حق با ماست و از آنان که از ما کناره گیرند نگران نمی شویم...<sup>۱</sup>

در تعالیم ما احساس لطیف و عمیق امام را نسبت به تمام مردم، با احساس برادری مهربان همانند شده است. بلکه بالاتر، به احساس مادری مهربان و دلسوز برای فرزند خود تشبیه کرده اند. این تصویر و ترسیم ما با سایه روشنی از احساسهای والا و انسانی امام آگاه سازد و گرنه احساس امام خداگونه است و عظمت و بیکرانگی روح و قلب و عواطف او قابل درک و توصیف نیست.

همهٔ انسانها اصلی خود دوستی «و حبّ ذات» را در خود دارند و

این یک امر غریزی است و انگیزه انسان برای انجام کارها و فعالیتهاست و بالاترین احساس در انسانها، و بر اساس همین احساس به حیات ادامه می دهند. اما احساس امام نسبت به تمام مردم از این احساس بالاتر است. آنها به اصل مهمتری عمل می کنند و آن دیگر دوستی است. امام چون خلیفه و ولی خداست، بندگان خدا را نیز دوست دارد و به هر چه از جانب خداوند باشد عشق می ورزد و با چنین شور و عواطفی و چنین احساس خدایی، امام نسبت به انسان و نجات او نگران است و خود را مسؤول می داند و بدین سان دلسوز و یار و یاور غمخوار مظلومان و محرومان می گردد و این شور و احساس در تمامی امامان بوده است. امام علی (علیه السلام) در دوران حکومت خویش با همین احساسها در غم انسانها می سوخت و به آزاری که یاران معاویه بر زنی مسلمان یا غیر مسلمان که در حکومت او بوده است، رسانده چنین پریشان می گردد:

اگر مسلمانی بعد از این تأسف بمیرد، نباید سرزنش شود،

بلکه سزاوار مسلمان است که از چنین غصه ای بمیرد...<sup>۱</sup>

و امام حسین (علیه السلام) با همین احساسها و سوز و شورها، با ستمگران به جنگ پرداخت و برای نجات انسانها، جان خود و یارانش را هدیه کرد و شهادت بزرگ را پذیرا گردید و اسارت خاندان خویش را پذیرفت و امامان دیگر نیز هر کدام به صورتی رنجها و سختیها را پذیرفتند و در این راه فقط استواری دین خدا و نجات انسانهای محروم و ستم کشیده را می خواستند.

امام موعود (عج) فرزند این امامان می باشد. او قلبی علوی و خوی و سرشتی حسینی دارد. تمامی کفرها، جاهلها، انحرافها، فقرها، دردها، محرومیتها و نابسامانیها را در تمام اجتماعات کوچک و بزرگ در طول این دوران طولانی غیبت مشاهده کرده و می کند و غم یکایک انسانها را احساس، و سعادت دور شده از جامعه بشری را لمس می کند. او انسانهای گرسنه را می نگرد و پنجه خونین طاغوتان مالی و سیاسی و نظامی را بر اندام بشریت مظلوم می بیند و دامها و سازمانهای پیچیده فساد و جنگ و انحراف و بردگی و... را بر سر راه انسانهای مظلوم و محروم مشاهده می کند و از وضعیت زندگی سخت و ناپهنجار دوستان و پیروان خود آگاه است و هر روز - از آغاز دوران امامت و رهبری خود - با قلبی پر از احساس و عاطفه و روحی لطیف و الاهی و فراگیر، و جهانی که چون آینه ای همه چیز و همه کس در آن منعکس است؛ به این صحنه های دلخراش و جانگداز می نگرد. اکنون ساعتهای زندگی او با چه اندوهی و در چه وضعیتی همراه است و این دوران بیش از هزار ساله امامت و رهبری را با چه رنجها و دردهایی پشت سر گذاشته است و در چه احساسهایی تلخ و جانگداز به سر می برد؟ احساس و انتظاری که غمنامه بشریت به پایان رسد و جامعه بشری به سعادت خویش نایل آید و ایمان، آزادی، شادی، سعادت، دادگری جایگزین کفرها، بردگی ها، غمها، شقاوتها و بیدادها گردد.

این است که امام، سراپا شور و شوق و عشق است برای نجات جامعه بشری و با چنین احساسی چشم به راه فرج و گشایش در کار محرومان و ستمدیدگان می باشد و این ویژگی احساسهای ژرف و بیکرانه و عالم گیر اوست. و این چنین است که آن امام عزیز در

نیایشهای خود چنین می‌گوید:

... ای نور روشنائیها و ای تدبیرکننده کارها، برای من و  
برای پیروانم در تنگناها گشایشی قرار بده، و از اندوهها، راه  
نجاتی فراهم ساز، راه را برای ما گشاده گردان و از نزد خود  
چیزی بر ما ارزانی دار، که فرج ساز باشد...<sup>۱</sup>

اکنون این منتظرانند که باید روانهای خویش را از احساسهای  
انسانی سرشار سازند و در غم و اندوه اندوهگینان بسوزند و خویش را  
غمگسار و یاور بیچارگان بدانند و در راه آنان با تمام وجود تلاش کنند و  
همواره کاهش غمها و محرومیتها و کمبودها را بخواهند. و امام آن  
غمخوار راستین انسانها را با تلاش خود خرسند سازند. و نیک بیابند و  
درک کنند که اگر از آنچه امام خرسند می‌گردد، خشنود شوند و از آنچه  
امام می‌رنجد و اندوهگین می‌شود، اندوهگین شوند؛ شایسته پیروی  
هستند و می‌توانند پیوندی عاطفی و احساسی با امام خویش داشته  
باشند. تردید نیست که اگر عواطف و احساسها دوگانه بود و یا با احساس  
امام در تضاد و ناسازگاری، هرگونه امید و انتظار چنین رهبری پنداری  
بیش نیست که واقعیتها و باطنها آن را اثبات نمی‌کنند. اگر امام برای مردم  
دل می‌سوزاند و مردم گرفتار خودخواهی و دیگر فراموشی‌اند، چگونه  
رابطه‌ای میان امام و امت می‌تواند برقرار باشد؟ بلکه این بالاترین  
بیگانگی و دوری از امام است.

بخش هفتم:

## یأس و امید

آه از تبار من، یاران من!  
دشمن مشترکمان را از یاد نبریم، هر چند که در کثرتند،  
ما در قلت، بیایید دلیر باشیم و بی پروا  
و در برابر یکهزار ضربه آنان، یک ضربه مرگباری و کاری!  
مگر سرانجام نه گور است گشاده دهان فرا رویمان؟  
ما مرد مردانه در برابر قاتلان خود -  
می ایستیم، می میریم، اما تسلیم نمی شویم.

کلود مک کی

شاعر سیاهپوست و مبارز آمریکای لاتین

«سروده‌های زمان / ۱۳۴»

## قرآن کریم:

از فرج و گشایش و رحمت خداوند مأیوس مشوید، زیرا  
تنها کافران از رحمت خدا مأیوس می شوند.<sup>۱</sup>

از موضوعات مهم و اساسی که با انتظار پیوندی ناگسستنی دارد، یأس و امید است؛ زیرا امید به آینده با انتظار و آینده‌نگری مثبت رابطه‌ای اصولی دارد و ناامیدی و یأس با آینده‌نگری منفی که در حقیقت، انتظار و آینده‌نگری در کار نیست؛ زیرا که نومیدان بهبود وضع جامعه و انسان را به هیچ روی در اندیشه ندارند، یا به سرانجام و فرجامی خوش و سعادت‌ساز امید ندارند و آینده را سیاه و تاریک و ظالمانه می‌پندارند چون گذشته‌ها. این‌که می‌نگریم اسلام این همه با یأس مبارزه کرده و آن را در حکم کفر قرار داده، برای این است که جوامع اسلامی را از شکستهای درونی و معنوی و روحی و شکستهای بیرونی و پیامدهای ویرانگر آن نجات دهد و امید و آرزو و آرمان‌خواهی و انتظارگرایی را در دل انسانها زنده کند. اسلام به ما می‌آموزد که در برابر حوادث، فشارها، کج‌روییها، ستم‌روایی‌ها

نباید مایوس گشت و آینده را به سان گذشته یا زمان حاضر پنداشت و راههای رهایی و عدل گستری را بسته دانست. بنابراین، شایسته نیست که در برابر فشار حوادث و رویدادهای غیر انسانی و فاسد تاریخ سرفرود آورد، و از هر تحوّل مایوس گشت، و پنداشت که تیرگیها، پلیدیها، ظلمها، ستمها، فقرها، نادانیها، و نابسامانیها و... دائمی و زوال ناپذیرند. و هرگونه تلاش و کوششی برای تغییر راه زندگی بیهوده و بی فایده است؛ بلکه باید به نویدهای الهی چشم دوخت که تمای کژیها و کاستیها، ظلمها و ستمها، فقرها و گرسنگیها، کفرها و گمراهیها، جهلها و نادانیها، سرانجام پایان می پذیرد و علل و عوامل آن از بن برمی آید و حق مطلق و عدالتی فراگیر و جهانی حاکم خواهد گشت و روشنایی بر تیرگی غلبه خواهد کرد و زنجیرها پاره می شود و محرومیتها به پایان می رسد.

اکنون ممکن است برای افراد جامعه چنین سؤالی مطرح شود که فرد به تنهایی نمی تواند بر جامعه اثر گذارد و جامعه از تسلط فرد بیرون است. پس ناگزیر باید خود را چون پرکاهی دستخوش امواج جامعه سازد و با کژیها و کاستیها و پلیدیها و نابسامانیها و... بسازد و دم برنیاورد. این چنین انسانی به این دلیل که فضایل و خصوصیتهای انسانی در جامعه وجود ندارد از انسانیت روی برمی تابد و آن فضیلتها را در خود نابود می سازد و بدین گونه خود را به تباهی می کشد.

امام علی (علیه السلام):

قَتَلَ الْقُنُوطُ صَاحِبَهُ<sup>۱</sup>

یأس، مایوس... گشته است.

از این رو، امید و انتظار و خوش بینی نسبت به سرنوشت بشر، در زندگی عینی و کنونی انسانها تأثیرهای ژرف و ریشه‌ای دارد و از هم اکنون انسانها را به اصلاح طلبی و شایسته‌سازی و به‌سازی فرد و جامعه وامی‌دارد و از هر کمی و غلط‌اندیشی و بیکارگی و بیهوده‌کاری‌هایی می‌بخشد، و هرگونه سستی و بی‌میلی و ایستایی در وجود او را ریشه کن می‌کند.

بنابراین، هرگونه طرز تفکرِ یأس برانگیز از نظر اسلام و در تفکر اسلامی مردود است. باید گفت که طبق تعالیم اسلام مسؤولیت و تکلیف از اینها والاتر است و انسان با این اندیشه‌ها نمی‌تواند تکلیف را بر زمین گذارد و از زیر بار مسؤولیت شانه خالی کند. اسلام برای پایداری انسانیتها و فضیلتها نخست انسان را به محیط توجه می‌دهد و اهمیت آن را گوشزد می‌کند و دستورات فراوان و مهمی دربارهٔ اصلاح محیط و جامعه داده و مسؤولیت این دستورات را برگردن افراد گذارده است، تا آن‌جا که در هر حادثه‌ای تمامی افراد جامعه را مسؤول می‌داند.

در آن‌جا که نظام گروهی و اجتماعی بر پایهٔ کجیها و فسادها استوار و پایدار گشته نیز، فرد آسوده نیست. بلکه در این‌جا مسؤولیت سخت‌تر و سنگین‌تر می‌باشد و فرد نمی‌تواند به علت این‌که جامعه بر پایهٔ کجیها و فسادها قرار دارد خود نیز فضیلتها و انسانیتها را ترک گوید؛ بلکه باز هم مسؤولیت دارد و در این‌جا فرد از نظر اسلام باید نخست، فضیلتها و انسانیتها را در خود پایدار و زنده نگاه دارد و پس از آن به زنده نگاه داشتن آنها در جامعه بپردازد. و این تکلیف و مسؤولیت هیچ حدّ و مرزی ندارد و پایانی برای آن نیست، زیرا هسته‌های اصلی اجتماعات، جامعه‌های محدود و کوچک است و اگر تأثیر بر گروههای بزرگ امکان‌پذیر نیست، باید از گروههای کوچکتر شروع کرد؛ حتی گروه کوچکی چون خانواده که این خود مقدمه‌ای برای تأثیر بر جامعه و گروه بزرگ است و از این راه



جامعه بزرگ پیراسته و اصلاح می‌گردد.

این امر در واقعیت‌های خارجی و در جوامع گوناگون در طول تاریخ نیز چنین بوده است، که بدبینی و نومیدی اگر همگانی گشت و امید به بهروزی و بهسازی در دل همگان مرد، گرایش به بدی و تباهی افزون می‌گردد و ستمروایی همه‌گیر می‌شود و خودخواهی و دیگر فراموشی به اوج می‌رسد، و هر کس هر کاری را روا می‌داند. آن‌گاه که نظریه‌های بدبینانه و یأس‌آمیز کنار زده شد و یأس گسترده‌ها زمین‌نیافت، گرایش‌ها به سوی صلاح و شایستگی خواهد بود و نیکوکاری و دادگری هدف انسانها خواهد شد. بدین جهت می‌نگریم که همیشه در طول تاریخ انسانهای آزاد و نیک و شایسته در فاسدترین و نادرست‌ترین جامعه‌ها وجود داشته‌اند و با همه فراگیری بیداد و ظلم، به دادگری و نیکوکاری پرداخته‌اند.

تاریخ گذشتگان را که می‌نگریم، در میان جوامع گرفتار و منحرف بشر، عده‌ای را می‌بینیم که فضیلتها و انسانیتها را در منجلاب فساد و بدبختی حفظ کرده و به آن ارزشها پایبندی نشان داده‌اند. تاریخ پیامبران سرشار است از انسانهایی که در دوران سیاه ظلم به گسترش عدل و انسانیت دست زده‌اند، با این‌که اندک و انگشت‌شمار بودند و با تمام فشارها، سختیها، شکنجه‌ها، بر ارزشها استوار ماندند و تا آن‌جا که قدرت داشتند برای اصلاح جامعه کوشیدند و حادثه‌هایی ژرف و بزرگ و والا آفریدند و الگوی راه همه رهروان چالاک قرار گرفتند و همیشه با یاران اندک، کارهای بزرگ کردند و هیچ‌گاه مأیوس و ناامید نگشتند و انقلابهای خونین به راه انداختند و حرکت‌های بزرگ اجتماعی و دینی و تاریخی را با افرادی اندک شکل دادند. پس آنان به تعهد و مسؤولیت الهی و اسلامی و انسانی خویش عمل نمودند و بر خلاف امواج جامعه حرکت کردند و خود چون کوه در مقابل امواج ایستادند و جامعه را از انحراف و بیراهه نجات دادند و چراغ

راه تمامی انسانها و انسان دوستان و حق پرستان و عدالت پیشگان شدند. بر این اصل، اسلام فرد را در برابر محیط و اجتماع مسؤول می داند و این سخن والای پیامبر اسلام مورد قبول همه فرق اسلامی است:

كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ.<sup>۱</sup>

همه شما شبانید و همه در شبانی مسؤول هستید.

مسئولیت‌های اجتماعی بزرگتر و شدیدتر از مسئولیت‌های فردی است، و آن‌گاه که محیط دچار نابسامانی شد و جامعه به بیراهی رفت فرد وظیفه دارد از کار و فعالیت باز نایستد و به اصلاح محیط و جامعه پردازد. یکی از اموری که ممکن است افراد و اجتماعات را دچار یأس و ناامیدی سازد، نگرانی از به نتیجه نرسیدن کوششها و نافرجام ماندن تلاشها و حرکت‌های خود است. در این باره «اسلام می گوید: شما که از این بیمناکید که کوشش‌هایتان بیهوده و بی نتیجه باشد، اگر نیت درست داشته باشید، کارتان رنگ بقاء و جاودانگی خواهد گرفت، و ثمربخش و مفید خواهد بود. پس چشم به پاداشی آنی نداشته باشید و از توده مردم امید هرگونه قدرشناسی<sup>۱</sup> قطع کنید، تا اگر روزی آنان را ناسپاس دیدید، نرنجید، و بر آنان خشم نگیرید، و همراهان را تنها نگذارید. فضیلت دوست باشید. برای ذات حقیقت به کوشش تن در دهید، و اثر و نتیجه را در جای دیگر بجوئید.<sup>۲</sup>»

انسانی که بالفطره خوبیها و معنویتها را می جوید، اگر به آنها دست نیافت و از رسیدن به آنها مأیوس گشت امیدش از آینده نیز قطع شد، و هیچ فردای روشنی برای خود ندید، برای پرکردن این خلأ درونی به

۱. ارشاد القلوب، ص ۲۵۷.

۲. محمد حکیمی: در فجر ساحل، چاپ بیستم، نشر آفاق، ص ۱۱۹.

جهتی دیگر می‌رود و سر از سویی دیگر درمی‌آورد و نیازهای خود را با امور غیر انسانی و نادرست اشباع می‌کند و این است که افراد چنین جامعه‌هایی به فساد و مواد مخدر و لابی‌گری پناه می‌برند و به همه اصول زندگی و قانون‌گرایی و ارزشها و فضیلتها و انسانیتها پشت پا می‌زنند و راحت خود را در آنها می‌جویند و این از بزرگترین پیامدهای یأس و ویژگیهای جامعه مایوس و سرخورده است.

از این رو، در تعالیم اسلامی آموزش داده‌اند که در سخت‌ترین حالات و در اوج گرفتاریها، انتظار فرج و گشایشی داشته باشید و در هر پایه از بدبختی و فشار و دشواری، امید از دست مدهید که در تنگنای دشواریهای نفس‌گیر و در اقیانوس مشکلات، امید به گشایش و فرج وجود دارد و این چنین است که امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

چون سختی به نهایت رسد، آسایش پدید آید و چون حلقه‌های زنجیر گرفتاری، سخت تنگ گردد، راحتی رُخ نماید<sup>۱</sup>.

بخش هشتم:

## انتظار آئینه صبر

فرزندان آفتابیم ما  
فرزندان طلوع  
فرزندان برآمدن آفتاب!  
درمی نوردیم سرنوشت جنوب  
در انتظار روز موعود، آن ساعت پی خجسته  
آن شمشیر سرکش عدالت، آن شمشیر توفنده  
آن پیک آزادی با پیام برادری!

فانتن جانسن

شاعر سیاهپوست و انقلابی آمریکایی

«سروده‌های زمان / ۱۱۵»

### امام صادق (علیه السلام):

ای پسر نعمان! انسان، مؤمن نیست مگر این که سه  
خصلت را در خود پدید آورده باشد: خصلتی از خدا و  
خصلتی از پیامبر و خصلتی از امام... آن خصلتی را که از امام  
باید در خود پدید آورد شکیبایی در دشواریها و مشکلات  
است، تا فرج و گشایش الاهی برسد.<sup>۱</sup>

انتظار بدون پایداری و شکیبایی و صبر در برابر سختیها و گرفتاریها  
قالبی است بی محتوا، زیرا که روح و جوهر اصلی انتظار، مقاومت و صبر  
است. و کسی که منتظر تحقق یافتن آرمانهای انسانی و الاهی است و  
چشم به راه برقراری حکومت عدل فراگیر جهانی است، باید تا  
فرارسیدن آن زمان و تحقق آن رُخداد بزرگ صبر و شکیبایی و پایداری  
داشته باشد و در راه رسیدن به این سر منزل مقصود تاب و توان خود را از  
دست ندهد، و هیچ سختی و ناملایمی او را از راه بیرون ندارد و آن گاه که  
تاب و توان و پایداری خویش را از دست داد دیگر منتظر نیست و

---

۱. تحف العقول، ص ۲۲۹ - ۲۳۰.

جوهرهٔ انتظار را از دست داده است و به انسانی بی آرمان تبدیل گشته است. و هرگونه هدفداری را از دست داده است.

هدف اصلی از انتظار، زنده نگاه داشتن روح امید و نشاط و احساس تعهد و مسؤولیت و پیوند روحی و عاطفی با امام و ارتباط مرامی با آن پیشوای بشریت است و این همه بدون صبر و پایداری امکان پذیر نیست. خاستگاه اصلی پابندی به تکلیف و پیوند با عدل و احسان، در انتظار نهفته است.

این است که جامعه و مردم معتقد به اسلام و دین باور و آنان که به درستی وعده‌های قرآن و پیامبر و امامان اعتقاد دارند، باید ضعف و سستی و ناشکیبایی را در دل و درون خویش راه ندهند و در دورانی که دوران تباهیها، نابسامانیها، شکستهای پیاپی، نافرجامی تلاشها و کوششها و به نتیجه نرسیدن قیامها و منحرف شدن انقلابها از راه اصلی خود می‌باشد، باید بر این باور و عقیده پایدار و استوار باشند که موانع هر چند زیاد و مشکلات هر چند کوه‌سان، در فرا رسیدن هدفهای والای اسلامی و انسانی تأثیری ندارد و ارادهٔ حتمی خدایی بر ظهور دولت حق و نجات انسان است و حاکمیت دین خدا با رهبری الهی و انسانی، تردیدناپذیر است. اگر کمترین یأسی در این باره در دل خویش راه دهند، از منطق دین خارج شده‌اند و زمام امور خود و جامعه را به ظلم، ستم و تبعیض و جهل و تاریکی و همهٔ نابسامانیها سپرده‌اند. و بدین‌گونه خود را به تباهی و نابودی کشانده‌اند. پس انسان باید در برابر تمامی ناملازمات استوار باشد و با صبر و شکیبایی تمامی این مراحل سخت و دشوار را به پایان رساند و به اهداف و آرمانهای انسانی و الهی خویش وفادار باشد و برپایی عدل و داد و ایجاد برابری و برادری در بین تمامی انسانها را باور داشته باشد و از خط پیامبران و امامان خارج نگردد و در برابر دیرپایی نظامهای

ستم و انبوهی حوادث و مشکلات، مقاومت و پایداری ورزد و منتظر راستین باشد تا از آن گروه از مردم آخرالزمان باشد که پیامبر آنان را ستایش کرده و در برابر اصحاب خویش به آنان بالیده است و آنان را از مسلمانان صدر اسلام که در بدر و أُحُد و حنین و... در رکاب پیامبر شمشیر زده‌اند، برتر دانسته است.

### امام صادق (علیه السلام):

«به نقل از پیامبر (صلی الله علیه و آله) - پس از شما کسانی بیایند که یک نفر از ایشان پاداش پنجاه نفر از شما را داشته باشد. (اصحاب) گفتند: ای رسول خدا ما در جنگ بدر و أُحُد و حنین با تو بودیم و درباره ما آیه نازل شده است؟ پیامبر فرمود: «اگر آنچه به ایشان رسد (از حوادث ایام) به شما رسد، شکیبایی آنان را ندارید.»<sup>۱</sup>

مردم آخرالزمان در پرتو شکیبایی راستین به چنین مقامی دست یافته‌اند. این یک معیار اصلی است که در همه دوران تاریخ و در زندگی فردی و اجتماعی بارها و بارها تجربه شده و درستی خود را به اثبات رسانده است که هدفداری باید با صبر و مقاومت همراه باشد و هدفداران و آرمان خواهان که شکیب آورده و با هجوم هر نوع مانعی دست از آرمانهای خویش برنداشتند، به خواسته‌های خود دست یافتند و نظام مطلوب را پایه‌ریزی کردند.

در این روزگار و با هجوم انبوه نابسامانیها در سر راه انسانهای

مظلوم نیز پایداری و صبری تزلزل‌ناپذیر باید که مقاومت در برابر این سیلابهای بنیان‌کن را تضمین کند و انسانهای مکتبی و هدفدار را از انتظار تحقق آرمانهایشان منحرف نسازد و شدنیها را ناشدنی جلوه ندهد و چنین باشند که امام فرموده است:

«کسانی که این امر (مسأله پیشوایی و اصلاحات اجتماعی به دست او) را شناختند، همان انتظارشان فرج است.<sup>۱</sup>»

یعنی منتظر نیکی و درستی و رویش انسانیتها از سرزمین زندگی، رویکردی جدی به نیکی و درستی دارد و انسانیتها را در آغوش می‌کشد و لحظه‌ای از آنچه راستی و درستی است فاصله نمی‌گیرد و این معنای ظهور فرج در دوران انتظار فرج است و این معنای پذیرش حاکمیت حق و عدل است در دوران حاکمیت ظلم و بیداد.



## از مجموعه آینده‌شناسی و انتظار:

امام مهدی (عج) و آینده‌زندگی (۱)

منتظر، چشم به راهی فریادگر!!! (۲)

امام مهدی (عج) - طول عمر - (۳)